

امام محمد باقر(ع)؛ بنیانگذار نهضت فکری و فرهنگی تشیع

<?xml encoding="UTF-8?">

امام محمد باقر (ع) پنجمین اختر فروزان آسمان امامت، شکافته و تبیین کننده علوم اسلامی است. امامی که سراسر زندگیش نور بود و همه لحظات عمر با برکتش، در راه ارشاد و هدایت انسانها به پایان رسید.

امام محمد باقر(ع) از زمینه سازیهای پدرش امام سجاد در راستای معرفی مکتب تشیع و مبارزه با طاغوتها، بهره برداری بسیار کرد و با تربیت شاگردان برجسته و تبیین فقه ناب اسلام و اهل بیت (ع)، بزرگترین قدم را برای شناسایی تشیع و مکتب اهل بیت برداشت.

او تجسمی از ارزشهای والای انسانی و کمالات اخلاقی بود و همه لحظه های زندگی درخشانش، درسهای بزرگ انسانی را الهام می بخشید.

امام باقر (ع) مؤسس و بنیانگذار حوزه علمیه شیعه و نهضت فرهنگی انقلاب فرهنگی تشیع بود. ایشان شاگردانی مانند محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابوبصیر و برید بن معاویه را تربیت کرد که امام صادق فرمود: این چهار نفر مکتب احادیث پدرم را زنده کردند.

امام باقر مؤسس نهضت فرهنگی تشیع امام باقر (ع) اگر چه بر اثر سلطه حکومت طاغوتها، از نظر سیاسی منزوی بود و اعتراضهای او به صورت یک نهضت سیاسی همه جانبه برای سرنگونی رژیم بنیامیه نینجامید، با اینکه در این راه تا سر حد شهادت حرکت کرد، ولی او دریافته بود که فرهنگ تشیع در انزوا قرار دارد.

از این رو، لازم بود به یک انقلاب وسیع فرهنگی دست بزند و با تشکیل حوزه علمیه و تربیت شاگردان برجسته، فقه آل محمد(ص) و خط فکری تشیع را آشکار سازد.

با توجه به این موضوع، زمینه عمیق و بنیانکن برای مبارزه با طاغوتیان خواهد شد، و در درازمدت، شیعیان را به صحنه میآورد، و مکتب اهل بیت (ع) را زنده خواهد کرد و با توجه به اینکه سنگ زیرین و اساس انقلاب و قیام، نهضت فکری و فرهنگی است، بر همین اساس امام باقر زمینه سازی بسیار عمیق و خوبی در این راستا نمود و پس از ایشان، فرزند برومندش امام صادق با تشکیل حوزه علمیه با چهار هزار نفر شاگرد، آن را به ثمر رساند و به عنوان یک دانشگاه عظیم اسلامی، در تاریخ اسلام آشکار و ماندگار ساخت.

بنابراین میتوان گفت امام باقر مؤسس و بنیانگذار حوزه علمیه شیعه و نهضت فرهنگی انقلاب فرهنگی تشیع بود.

امام باقرعلیه السلام : حریص بر دنیا ، همچون کرم ابریشم است که هر چه پيله را بر خود بیشتر بپيچد ، بيرون آمدنش مشکل تر مي شود .

محمد بن علي بن الحسين (ع)، پنجمین امام شیعیان است . مادر آن حضرت فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است و بدین ترتیب امام باقر نخستین امامی است که پدرش از نسل امام حسین و مادرش از نسل امام حسن می باشد.

امام شکافته علوم امام باقر ، علاوه بر " شاکر " و " هادی " به ویژه به " باقر " به معنای شکافته ملقب است، و جابر بن یزید جعفی در توضیح لقب اخیر می گوید : آن حضرت علم را شکافت و رموز و دقائق آن را روشن ساخت . یعقوبی نیز می نویسد : بدان سبب باقر نامیده شد که علم را شکافت . راغب اصفهانی نیز مانند این عبارت را گفته است .

موقعیت علمی امام بی تردید چنان که بسیاری از علمای اهل سنت نیز گفته اند امام باقر در زمان حیات خویش شهرت بسیاری داشت و همواره محضر او از دستدارانش از تمامی بلاد و سرزمینهای اسلامی سرشار بوده است . موقعیت علمی ایشان به مثابه شخصیتی عالم و فقیه به ویژه به عنوان نماینده علوم اهل بیت بسیاری را وا می داشت تا از محضر او بهره گرفته و رفع اشکالات علمی و فقهی خود را از او بطلبند .

در این میان ، اهل عراق که بسیاری از آنان شیعه بودند بیش از دیگران مفتون شخصیت آن حضرت شده بودند . مراجعه کنندگان خضوعی خاص نسبت به شخصیت علمی امام داشتند چنان که عبدالله بن عطاء مکی گوید : علما را در محضر هیچ کس کوچکتر از زمان حضور در محضر امام باقر(ع) ندیدم . حکم بن عینی به تمام عظمت علمی اش در میان مردم ، در برابر آن حضرت مانند دانش آموزی در مقابل معلم خود به نظر می رسید .

شهرت امام باقر در زمان خود ایشان ، نه تنها در حجاز که " کان سید فقهاء الحجاز " بلکه حتی در عراق و خراسان نیز به طور گسترده فراگیر شده بود .

ویژگیهای اخلاقی امام کسی از جانب پروردگار عهده دار مقام امامت می شود که در تقوا، خداترسی و اجلال او، تواضع و فروتنی و نشان دادن اخلاص در بندگی نمونه باشد ، تا برای دیگران الگو قرار گیرد و امام باقر نمونه ای عالی از چنین ویژگیهایی است .

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب در مورد امام باقر علیه السلام می نویسد:

او راستگوترین و گشاده روترین و بخشنده ترین مردمان بود. در میان اهل بیت کمترین ثروت و درعین حال بیشترین هزینه را داشت. هر جمعه یک دینار صدقه می داد و می فرمود: صدقه روز جمعه به خاطر فضیلت این روز بر دیگر روزها، دو چندان می شود. چون پیشامدی غم انگیز به او روی می نمود زنان و کودکان را جمع می کرد و آنگاه خود دعا می کرد و آنان آمین می گفتند. بسیار ذکر خدا می گفت. راه می رفت در حالی که ذکر خدا می گفت. غذا می خورد در حالی که ذکر خدا می گفت. با مردم سخن می گفت، اما این امر او را از ذکر خدا باز نمی داشت. فرزندان را جمع می کرد و به آنان می فرمود تا طلوع آفتاب ذکر بگویند. هر کس از آنان را که می توانست قرآن بخواند به تلاوت قرآن و هر کس را که نمی توانست به گفتن ذکر، امر می فرمود.

شیخ مفید نیز درباره آن حضرت می گوید: مراتب بخشنده گی او در خاص و عام آشکار و بزرگواری اش در میان مردم مشهور و با وجود کثرت عیال و متوسط بودن وضع زندگی اش به تفضیل و احسان شناخته شده بود. عبادت امام فرزند بزرگوارش امام جعفر صادق علیه السلام در وصف اخلاص و عبادت پدرش چنین می فرماید: پدرم بسیار ذکر خدا می گفت. من با او می رفتم و او ذکر خدا می گفت. با او غذا می خوردم و او ذکر خدا می گفت. با مردم سخن می گفت، اما این امر او را از ذکر خدا باز نمی داشت. زبانش را می دیدم که به کامش می چسبید و با این وصف پیوسته از گفتن ذکر لا اله الا الله باز نمی ایستاد. ما را جمع می کرد و به ما می فرمود که تا طلوع آفتاب ذکر خدا بگوئیم و هر یک از ما را که می توانست بخواند به تلاوت قرآن فرمان می داد و هر که نمی توانست، می فرمود ذکر بگوید.

امام صادق (ع) در همین باره می فرماید:

من بستر پدرم را می گستردم و انتظار می کشیدم تا بیاید. چون او به بسترش می آمد و می خوابید من نیز به سوی بستر خود می رفتم. شبی او دیر کرد و من به جستجویش به مسجد رفتم . مردم همه در خواب بودند . ناگهان پدرم را دیدم که در مسجد به حال سجده است. در مسجد جز او کس دیگر نبود. ناله اش را می شنیدم که می گفت: پیراسته ای پرورگار! تو، به حقیقت پروردگار منی . از روی تعبد و بندگی تو را سجده می کنم. معبودا!

کردار من اندک است پس تو خود آن را برایم دو چندان کن. بارالها! مرا از شکنجه ات در روزی که بندگان را بر می انگیزی، در امان نگاه دار و بر من نظر کن که توالیته توبه پذیر و مهربانی .

تسلیم رضای خدا آن حضرت (ع) کاملاً به فرمان خداوند تسلیم بود. یکی از اصحابش روایت می کند که عده ای نزد ابوجعفر آمدند و دیدند که پسر آن حضرت بیمار و خود وی نیز ناراحت و اندوهگین است و آرام و قرار ندارد. دیدار کنندگان گفتند: به خدا قسم اگر به وی مصیبتی رسد، می ترسیم از او چیزی ببینیم که خوش نداریم. پس دیری نپایید که صدای شیون و زاری بر آن پسر بلند شد. در این لحظه امام باقر با رویی گشاده و حالتی متفاوت با آنچه پیش از این داشت، بر دیدار کنندگان وارد شد . آنان عرض کردند: فدایت شویم، ما از حالتی که شما پیش از این داشتید، می ترسیدیم (با مرگ این کودک) حادثه ای پیش آید که موجب اندوه و ناراحتی ما شود! حضرت به آنان پاسخ داد: ما مایلیم کسانی که به آنان علاقه داریم، سالم بمانند و بهبود یابند. اما هنگامی که فرمان خدا جاری می شود به آنچه که او دوست می دارد گردن می نهیم.

انجام اعمال صالح آن حضرت از انجام هیچ کردار صالحی فروگذار نمی کرد. در این باره روایت جالبی از یکی از اصحاب آن حضرت نقل شده است.

راوی می گوید: ابوجعفر (ع) در تشییع جنازه یکی از مردان قریش حاضر شد. من نیز با آن حضرت بودم. مردی به نام عطاء در میان تشییع کنندگان بود. ناگاه زنی فریاد سر داد. عطاء گفت: ای زن اگر ساکت نشوی ما باز می گردیم، اما زن خاموش نشد و در نتیجه عطاء بازگشت. راوی می گوید: به ابوجعفر گفتم: عطاء بازگشت. امام پرسید: چرا؟ گفتم: این زن فریاد سر داد و عطاء به او گفت: یا خاموش شو یا ما باز می گردیم و چون این زن دست از فریاد برداشت عطاء هم بازگشت.

امام علیه السلام فرمود: به راه خود ادامه دهیم. اگر ما باطلی را با حق ببینیم و حق را به باطل واگذاریم حق مسلمان را ادا نکرده ایم. چون بر جنازه نماز گزارده شد، صاحب عزا به ابوجعفر عرض کرد: باز گرد که تو پاداش خود را گرفتی خداوند تو را بیامرزد. تو نمی توانی راه بروی، اما آن حضرت از بازگشت امتناع ورزید . به آن حضرت عرض کردم: صاحب عزا به تو اجازه بازگشت داد و من حاجتی دارم که می خواهم آن را از شما درخواست کنم . آن حضرت پاسخ داد: من با جنازه می روم. ما به اجازه او نرفتیم و به اجازه او هم باز نمی گردیم بلکه این فضل و پاداشی است که ما آن را طلب کرده بودیم. انسان تا آن اندازه که به دنبال جنازه می رود، پاداش آن را دریافت می کند.

بانک اطلاعات اخبار مجمع جهانی اهل بیت